

تفکر یونانی، فرهنگ عربی

Dimitri Gutas, *Greek Thought. Arabic Culture*, Routledge, First Publications. 1998, 230, pages.

موضوع انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، بیشتر مورد توجه پژوهشگران مطالعات اسلامی است. در باب این موضوع کتابها و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که یکی از آنها، به نام «انتقال علوم یونانی به عالم اسلام» از اولیسی دلیری به فارسی نیز ترجمه شده است (۲۵۳۵). در بین کتابها و مقالات پردازنده به موضوع انتقال، اثر «گوتاس» اهمیت خاصی دارد. این اثر نه تنها نسبت به آثار پیشین روز آمد است که به خاطر توجه خاص به وضعیت ایرانیان در انتقال علوم و اهمیت زردشتیگری و امپراطوری ساسانیان در توجیه و عملکرد انتقال، اهمیت بسیار دارد. عراق نیست اگر گفته شود کتاب گوتاس، سه ضلع یونان و آشنایان به علوم یونانی، اعراب و ایرانیان را در چگونگی انتقال علوم، با موفقیت به هم مرتبط ساخته است. کتاب از یک مقدمه، یک پی گفتار و دو بخش کلی که به ترتیب شامل

به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و از نفوذناپذیر به نفوذپذیر تبدیل شده است. به نظر نویسنده مرزها تنها خطوط ساده ای بر روی نقشه نیستند و از نظر تحولاتی که صورت می گیرد جدا نمی باشند. تحولات و تغییرات مرزها مسائلی مانند تابعیت، هویت، وفاداری سیاسی و پایان عمر برخی دولت ها را مطرح می کند. در خاتمه باید اشاره کرد که مالکم آندرسون نویسنده کتاب استاد علوم سیاسی و رئیس مؤسسه بین المللی علوم اجتماعی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان است.

دکتر اصغر جعفری ولدانی
استاد دانشگاه و محقق مسایل خاورمیانه

۴ و ۳ فصل می باشد، تشکیل یافته است. گوتاس در کتاب خود به طور خاص به نهضت ترجمه در فاصله زمانی قرون ۲ تا ۴ هجری قمری یا ۸ تا ۱۰ میلادی توجه کرده است.

گوتاس، در مقدمه توضیح می دهد که دانش یونانی به استثناء کتابهای تاریخی، ادبی، به طور گسترده ای به عربی ترجمه شد. و می توان به استثنائات مورد اشاره گوتاس افزود که رساله های مرتبط با فلسفه سیاسی نیز بسیار کم و به طور محدودی به عربی ترجمه شد. گوتاس از همان ابتدا (۷) تاکید می کند که برای درک نهضت ترجمه، باید دو عامل نیازهای امپراطوری عباسیان و همچنین وضعیت خاص شهر بغداد را به جهات اجتماعی در نظر گرفت. و این دو عامل، سرفصلهای دو بخش عمومی کتاب را به خود اختصاص داده است.

گوتاس دوران عباسیان و به ویژه منصور خلیفه دوم این سلسله را برای نهضت ترجمه دوران حیاتی می داند، پیش از آن و در زمان امویان، برخی آثار ترجمه شد ولی هیچ گاه گستردگی و کیفیت زمان عباسیان را به خود نگرفت. آشنایی مسلمین با علوم

یونانی از چند طریق صورت گرفت: اول، آشنایی با مسیحیان سریانی زبان بود که در شامل می زیستند، دوم، منابع سانسکریت بود که در جریان فتوحات و از طریق ایران و مناطق شمال شرق ایران به اعراب منتقل شد. اهمیت متون سانسکریت از این جهت است که پیش از یعنی پس از فروپاشی دولت هخامنشیان، اسکندر و یونانیان تا مناطق غربی هند پیش رفته بودند و تا مدتی یونانیان در این مناطق حضور داشتند و فرمانروایی می کردند. طریق سوم، آشنایی خود اعراب - مسلمین با زبانهای یونانی و سریانی و به این اعتبار دسترسی مستقیم به آثار یونان بود و بالاخره باید از طریق چهارم که ترجمه از زبان پهلوی و فارسی میانه به عربی است نام برد. در ادامه اشاره می شود که در زمان ساسانیان بخش قابل توجهی از علوم یونانی در اختیار ایرانیان قرار گرفته بود.

گفته شد که منصور خلیفه دوم عباسی آگاهانه در ایجاد آنچه که نهضت ترجمه نامیده می شود، موثر واقع شد. گوتاس، بین نهضت ترجمه، و آنچه که در عالم اسلام «بیت الحکمه» یا خزانه حکمت خوانده می شود و همچنین کتابخانه مامون

تفکیک قائل می شود (۵۳).

که تنها براساس پشتوانه های سیاسی- اجتماعی، اقتصادی گسترده ای این امر امکان پذیر بود و در این میان خاندان برمک و نوبخت از شهرت بیشتری برخوردار بودند. گوتاس بخش مهمی از برشماری آثار ترجمه شده را مدیون نویسندگان مسلمان همان ایام است، به ویژه کتاب عظیم «الفهرست» از ابن ندیم که به فارسی نیز ترجمه شده (۱۳۶۶) این نکته نیز گفتنی است که مسلمین با آثار یونانی به طور عمده از طریق مکتب اسکندرانی آشنا شدند که در زمان غلبه مسلمانان بر مصر، مدتی بود دوران اوج خود را پشت سر گذارده بود ولی همچنان مکتب برجسته علوم یونانی، خاصه پردازشهای نوافلاطونی و نوارسطویی به شمار می رفت. از این رو مسلمانان برخی از رسائل فلسفی متعلق به شارحان و فلاسفه این مکتب از جمله پاره هایی از فلوطین یا رساله هایی از «رفوریوس» را به اشتباه از آن ارسطو قلمداد کردند. در مجموع آثار ارسطو جز کتاب سیاست وی در کنار آثار جالینوس و بقراط و همچنین رساله های شارحین مکتب اسکندریه از جمله «اسکندر افرودیسی» و پاره ای از رسائل افلاطون و از جمله تیمائوس

از نظر گوتاس «بیت الحکمه» اقتباسی از خزانه حکمت دوران ساسانیان بود که عمدتاً به کار جمع آوری ادبی، اعم از شعر و نثر و امثال و حکم می پرداخت و نباید آن را با نهضت ترجمه یکی گرفت. بیت الحکمه و همچنین کتابخانه مأمون که مورد اشاره برخی از مورخین قرار گرفته است، فرع بر نهضت ترجمه می باشد. نهضت ترجمه در چشم گوتاس اهمیتی همسان وضعیت آن در زمان پریکلس، رنسانس ایتالیا، و انقلاب علمی قرون ۱۶ و ۱۷ اروپا دارد (۸). در نهضت ترجمه مجموعه عظیمی از علوم و رساله ها در زمینه های مختلف مانند گیاهشناسی، معدنیات، حیوان شناسی، ستاره شناسی، ستاره بینی، موسیقی، منطق، پزشکی، ریاضیات، فیزیک، متافیزیک، و... به عالم اسلام منتقل شد و مسلمین خود نیز مستقلاً دست به تألیفاتی زدند که بعدها بخشی از آن به اروپا منتقل گردید. در نهضت ترجمه گذشته از خلفای اولیه عباسی، بخش وسیعی از دولتمردان، تجار، و بازرگانان، فرماندها نظامی، اهل فرهنگ و ادب، درگیر بودند

که مورد توجه فلاسفه و گیتی‌شناسان واقع شده بود، به عربی ترجمه شد. یکی از مترجمین زبردست حنین بن اسحاق بود که خود صاحب‌سبک در ترجمه به شمار می‌رفت.

نهضت ترجمه در زمان عباسیان دلایل چندی داشت. یکی از این دلایل نیازهای عملی و کاربردی بود که با توجه به وسعت قلمرو و نیازهای مسلمانان یا جوامع تحت سلطه مسلمانان به مسئله‌ای میرم تبدیل شد. موضوعات گیاهشناسی، نجوم، ریاضیات، حیوان‌شناسی، پزشکی، و... استفاده‌های روزآمد و فوری داشتند. از دیگر دلایل، وضعیت بین‌المللی و چند فرهنگی-قومی بود که مجموعاً امپراطوری خلافت اسلامی را تشکیل می‌دادند. نیاز به مباحث کیهان‌شناسی در کنار لزوم مجادلات کلامی با دیگر مکاتب و اهل کتاب، می‌طلبید که مسلمانان به پاره‌هایی از رساله‌ها در توضیح ساخت کیهان یا رساله‌هایی که می‌تواند در پرورش ذهن و موفقیت در مجادلات یاری برساند از جمله رسائل منطق و دیالکتیک یا همان جدل، دسترسی داشته باشند تا با استفاده از آنها از

عهدۀ منازعات و مباحث کلامی- معرفتی برآیند. جدای از این دو دلیل که نیازهای کاربردی یا کلامی را پوشش می‌داد، عباسیان براساس تفسیر «گوتاس»، به شدت مایل بودند که خود را به یک ایدئولوژی مجهز کنند که در ثنویت و تحکیم پایه‌های قدرت و مشروعیت آنها، کارآیی داشته باشد. نیازهای کلامی و تجهیز مسلمانان و متکلمین و اهل بحث می‌توانست در نمایش هدایت عمومی اجتماع مسلمانان از سوی عباسیان، اهمیت داشته باشد. عباسیان با قرار گرفتن در مرکز نهضت ترجمه در جهت دهی به آن و طرح خود به عنوان حامیان دفاع از حریم اعتقادات اسلامی با تجهیز به رساله‌های لازم یا پاسخگویی به آنها، فعال بودند. مهدی خلیفه عباسی، پسر منصور که در نهضت ترجمه نقش مهمی داشت، در پاره‌ای از مواقع با «تیموتی» اول، یکی از فعالین و علمای نستوری «نسطوری» به بحث و جدل می‌نشست (۶۰ به بعد)، تیموتی خود یکی از مترجمین نستوری مذهب بود که رساله‌هایی از اسطوره را ترجمه می‌کرد. در کنار این نیاز و به جهت سیاسی-اجتماعی عباسیان مایل بودند

برخلاف امویان نوعی برابری عمومی را در میان مسلمانان اعم از عرب و غیرعرب، به ویژه ایرانیان به نمایش بگذارند، و از این رو خود را وارث مشروع تمدنها و نظامهای گذشته می دانستند و قرار گرفتن در مرکز نهضت ترجمه در این راستا، عملی عادی به شمار می آمد. بخشی از این میراث از سوی ایرانیان و ذخایر ادبی و علمی دوران ساسانیان به دوران عباسی منتقل شد. نباید فراموش کرد که تأسیس بغداد در زمان منصور در نزدیکی تیسفون، یکی از پایتختهای سابق ساسانیان، خالی از اشارات سیاسی-اجتماعی نبود.

اما در باب حضور ایرانیان در نهضت ترجمه و میراث بری از دوران ساسانیان، دست کم، گوتاس به دونکته اساسی توجه می دهد. یکی، اقتباس برخی از وجوه ایدئولوژی زردشتیگری دوران ساسانیان است (۳۴ به بعد) و دوم اهمیت ستاره بینی «Astrology» همچون یک ایدئولوژی سیاسی است (۴۵ به بعد) که هم در دوران ساسانیان اهمیت داشت و هم برای عباسیان حائز اهمیت بود. در باب این دومی باید چنین گفت که «ستاره بینی» برخلاف

نجوم یا ستاره شناسی، بر این باور استوار بود که وضعیت ستارگان و دوری و نزدیکی آنها با یکدیگر، می تواند در سرنوشت انسانها و از جمله حکومتها تأثیر بگذارد. لذا تجهیز به این باور و استفاده از گفته های ستاره بینان یک امر رایج بود، گفته می شود حتی تأسیس شهر بغداد به دنبال چنین باور و تعیین ساعت «سعد» صورت گرفت. این باور کمک می کرد که با استفاده از نمایش همراهی ستارگان، وضعیت به صعود یک حکومت و خلیفه مورد تأیید قرار گیرد و به طور منطقی مخالفین در وضعیت نامساعد از نظر تأثیر ستارگان قرار گیرند. این اثر سیاسی ستاره بینی در زمان ساسانیان منجر به ترجمه و تولید برخی رساله ها شد که بعدها به دوران عباسیان انتقال یافت و از شدت و گسترش بیشتری هم برخوردار شد، کم نبودند فلاسفه ای که در این ایام به پزشکی و همچنین ستاره بینی اشتغال داشتند و از این طریق، اعم از اینکه باور واقعی آنان باشد یا خیر به ایجاد نفوذ در دربارهای خلافت و امرا و... اقدام می کردند.

اما در باب ایدئولوژی زردشتیگری باید توجه داشت که در زمان ساسانیان،

دین زردشت، دین رسمی امپراطوری بود و پادشاهان این سلسله مایل بودند در تقویت دین رسمی و همچنین پیوند بین دولت و دین، به نقش و گسترش آثار زردشتی بپردازد. اما نکته بسیار مهم برای پژوهشگران توجه به این مسئله است که تصور می‌شد آثار زردشتی بر اثر حمله اسکندر دستخوش ویرانی و تباهی و سرقت شده است و حال این تفکر در میان قدرتمندان دینی و سیاسی زمان ساسانیان روبه اوج بود که علوم یونانی، در اساس همان علوم زردشتی هستند که یونانیان در حمله اسکندر به غارت برده‌اند و ترجمه آنها، نوعی انتقال علوم به جایگاه واقعی‌اشان یعنی سرزمینهای معتقد به دیانت زردشتی است. از این رو گونه‌ای از نهضت ترجمه در زمان ساسانیان رایج بود و حال در زمان عباسیان، ایرانیان مایل بودند که این آثار را به زبان عربی منتقل کنند و عباسیان با نادیده گرفتن جنبه ادعائی زردشتی، مایل بودند همان طور که در پیش گفته شد، همچون میراث بران ساسانیان و دیگر تمدنها و فرهنگهای جذب شده در خلافت اسلامی، از این آثار سودجویند و حامیان ایرانی خود را

نیز یاداشتی داده باشند. البته این امر برخی اعتراضات را به ویژه در زمان مأمون در میان اعراب پیش آورد.

گوتاس در آخرین فصل از کتاب خود، ایجاد موضوع تفتیش عقاید (مخنه) در باب قدیم یا حادث بودن قرآن را که از سوی معتزله صاحب نفوذ در دربار خلفای عباسی از جمله مأمون، به نفع حادث بودن قرآن، به وجود آمده بود سبب ایجاد واکنش در میان برخی از لایه‌ها از جمله حنابله می‌داند بحث گوتاس از این جهت اهمیت دارد که نشان دهد زیاده روی نهضت ترجمه و فشار طرفداران عقل موجد واکنشهای دینی-اجتماعی از سوی بخشهایی از مسلمانان گردید و این طور نبود که این واکنشها ابتدا به ساکن علیه نهضت ترجمه فعال شود (۱۵۵ به بعد). وی همچنین مخالفت اسلامیون با علوم یونانی را یک اسطوره قلمداد می‌کند و خالی از اعتبار می‌داند. از نظر گوتاس پایان عصر ترجمه در قرن ۴ هجری و دهم میلادی به خاطر انتقال بخش اعظم علوم از یک سو و ایجاد رساله‌های مستقل مسلمانان در علوم یاد شده از سوی دیگر است. هرچند که هنوز،

ادوارد سعید، صلح و مخالفان آن

غزه- اریحا ۱۹۹۵-۱۹۹۳، با پیشگفتار

کریستوفر هیچنز، انتشارات وینتیج در سال ۱۹۹۵،

ص ۱۷۹.

Edward W. Said With a Foreward by
Christopher Hitchens Peace & its
Discontents, Gaza-Jehricho/1993- 1995,
197 Pages.

ادوارد سعید، استاد زبان انگلیسی و
ادبیات تطبیقی در دانشگاه کلمبیا و
صاحب کتابهای متعددی مانند
شرق شناسی (۱۹۷۸) مسئله
فلسطین (۱۹۷۹)، فرهنگ و
امپریالیسم (۱۹۹۳)، ویژگی های
روشنفکر است. مجموعه مقالات سیاسی او
نیز تحت عنوان سیاست خلع ید: مبارزه برای
تعیین سرنوشت فلسطینیان نیز توسط
انتشارات پانتئون منتشر شده است. وی از
سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۱، عضو شورای ملی
فلسطین بود. ولی هم اینک، وی از منتقدان
از روند صلح اسراییلی-فلسطینی به
شمار می رود. یکی از نوشته های وی در

رساله هایی ترجمه می شد یا ترجمه های
بهتری از رساله های قبلی، از سوی
مترجمین و عالمان صورت می گرفت.

دکتر حاتم قادری

گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

منابع:

- ۱- اولیری دلیسی، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، احمد
آرام، تهران، جاویدان، ۲۵۳۵، چ ۲.
- ۲- اسحاق الندیم محمد، کتاب الفهرست، محمد رضا
تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، چ ۳.